ایران
چهارشنبه ۲۸ مرداد ۱۴۰۵ ■ شماره ۷۲۹۱ ■ سال بیست و نهم



تهدید عمان، ادعای مذاکره با سپاه و محاصره هرمز؛

پشت پرده بازی تازه ترامپ با ایران چیست؟

تفاهم‌نامه ۶۰ روزه تهران و واشنگتن در حالی بدون دستیابی به توافق نهایی به پایان رسیده که همزمان نشانه‌هایی از تشدید فشار نظامی در تنگه هرمز و تلاش برای باز نگه داشتن کانال‌های محرمانه مذاکره دیده می‌شود؛ وضعیتی که یک تناقض مهم را در سیاست آمریکا در برابر ایران برجسته کرده است: واشنگتن از یک سو محاصره دریایی و فشار اقتصادی را تشدید می‌کند و دونالد ترامپ حتی عمان، میانجی سنتی مذاکرات ایران و آمریکا، را به اقدام نظامی تهدید می‌کند و از سوی دیگر، خود رئیس‌جمهور آمریکا از گفت‌وگو با بخش‌هایی از ساختار قدرت ایران و به‌طور مشخص سپاه پاسداران سخن می‌گوید.

این وضعیت نشان می‌دهد پایان مهلت تفاهم اسلام‌آباد لزوماً به معنای پایان دیپلماسی نیست؛ بلکه ممکن است دو طرف وارد مرحله‌ای شده باشند که در آن مذاکره و فشار همزمان و در کنار یکدیگر پیش می‌روند. با این تفاوت که این‌بار تنگه هرمز به اصلی‌ترین اهرم چانه‌زنی تبدیل شده است.

هرمز؛ از موضوع مذاکره به میدان اصلی تقابل

تفاهم‌نامه‌ای که در خردادماه میان تهران و واشنگتن شکل گرفت، قرار بود راهی برای توقف درگیری‌ها، کاهش فشارهای اقتصادی و آغاز مذاکرات گسترده‌تر درباره پرونده هسته‌ای و تحریم‌ها باز کند. اما یکی از دشوارترین موضوعات از همان ابتدا وضعیت تنگه هرمز بود؛ آبراهی که پیش از جنگ سهم مهمی از تجارت جهانی نفت و گاز از آن عبور می‌کرد و اکنون به یکی از مهم‌ترین نقاط فشار در مناقشه ایران و آمریکا تبدیل شده است.

در هفته‌های گذشته، اختلاف دو طرف بر سر این موضوع نه‌تنها حل نشد، بلکه به مرکز بحران تبدیل شد. ایران بر نقش و کنترل خود بر امنیت و عبور و مرور در تنگه تأکید دارد و مقام‌های آمریکایی خواستار بازگشت مسیر کشتیرانی به شرایط عادی و رفع محدودیت‌ها هستند.

در همین چارچوب، تهران طی هفته‌های گذشته با عمان درباره ایجاد یک مسیر امن برای کشتیرانی مذاکره کرده است. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه ایران، روزهای گذشته از توافق تهران و مسقط بر سر یک مسیر امن برای عبور کشتی‌ها خبر داد، هرچند تأکید کرد مذاکرات درباره مسائل دیگر همچنان ادامه دارد. رویترز نیز پیش‌تر گزارش داده بود که طرح مورد مذاکره ایران و عمان می‌تواند به تهران نقش تعیین‌کننده‌ای در کنترل کشتی‌های ورودی به خلیج فارس بدهد؛ موضوعی که برای واشنگتن یک امتیاز بزرگ برای ایران تلقی می‌شود.

به این ترتیب، آنچه قرار بود یکی از خروجی‌های تفاهم ایران و آمریکا باشد، اکنون به موضوعی تبدیل شده که خود می‌تواند مانع توافق جدید شود.

همزمان با شکست تلاش‌ها برای دستیابی به توافق، نشانه‌های میدانی فشار آمریکا در دریا نیز افزایش یافته است.

سنتکام اعلام کرده است که نیروهای آمریکایی برای اجرای محاصره دریایی ایران، مسیر ٦٤ کشتی تجاری را تغییر داده‌اند، سه کشتی را از کار انداخته و دو کشتی را نیز مورد بازرسی قرار داده‌اند. این ارقام در فاصله کوتاهی از آمار قبلی منتشر شده و نشان می‌دهد دامنه عملیات دریایی آمریکا در حال گسترش است.

در طرف دیگر، داده‌های مربوط به تردد کشتی‌ها تصویری از تأثیر واقعی این تقابل ارائه می‌کند. رویترز گزارش داده است که ترافیک کشتیرانی در هرمز به‌شدت پایین آمده و تردد نفتکش‌ها در روزهای اخیر به ارقام بسیار محدودی رسیده است. این وضعیت همزمان با حملات و نگرانی‌های امنیتی، عملاً چشم‌انداز بازگشت سریع کشتیرانی به وضعیت عادی را تیره کرده است.

به بیان دیگر، بحران هرمز دیگر صرفاً موضوعی در بیانیه‌های سیاسی تهران و واشنگتن نیست؛ رفتار شرکت‌های کشتیرانی و بازار نفت نیز به آن واکنش نشان می‌دهند.

رویترز روز سه‌شنبه گزارش داد که با کاهش امیدها به توافق ایران و آمریکا، قیمت نفت افزایش یافته است. بهای نفت برنت در معاملات صبح سه‌شنبه به حدود ۹۱.۵ دلار رسید و نگرانی درباره ادامه اختلال در مسیر انتقال انرژی از هرمز یکی از عوامل اصلی افزایش قیمت‌ها عنوان شد.

در چنین شرایطی، اظهارات تازه دونالد ترامپ تصویر پیچیده‌تری از سیاست واشنگتن ارائه می‌کند.ترامپ در گفت‌وگویی با فاکس‌نیوز عمان را تهدید کرد که اگر در مسیر توافق آمریکا با ایران «مانع» ایجاد کند، ممکن است هدف حمله قرار گیرد. این تهدید در شرایطی مطرح شده که عمان طی سال‌های گذشته یکی از مهم‌ترین کانال‌های میانجیگری میان تهران و واشنگتن بوده و همین حالا نیز در حال مذاکره با ایران درباره ترتیبات عبور و مرور در تنگه هرمز است.

وال‌استریت ژورنال نیز در تحلیل این تهدید نوشته است که عمان ابتدا از سوی دولت ترامپ به‌عنوان بازیگری مفید برای میانجیگری و بازگشایی هرمز دیده می‌شد، اما اکنون بخشی از دولت آمریکا نسبت به نقش مسقط بدبین شده‌اند و اقدامات عمان را مانعی در برابر اهداف واشنگتن می‌دانند.

این تغییر موضع قابل توجه است: کشوری که قرار بود بخشی از راه‌حل بحران باشد، حالا از نگاه ترامپ ممکن است بخشی از مشکل تلقی شود.

اما همزمان با این تهدید، ترامپ تأیید کرده که کانال‌هایی مستقیم با سپاه پاسداران وجود داشته است.

این ادعا در ابتدا از سوی گزارش ویژه آکسیوس مطرح شد. بر اساس این گزارش، دولت ترامپ در مقطعی به این نتیجه رسید که مذاکره‌کنندگان رسمی ایران لزوماً نماینده دیدگاه‌های سپاه پاسداران، که در ساختار پس از جنگ نفوذ بیشتری پیدا کرده، نیستند. در نتیجه، واشنگتن تلاش کرد از یک کانال غیررسمی برای ارتباط مستقیم با رهبری سپاه استفاده کند و مسعود بارزانی، از رهبران اقلیم کردستان عراق، در این مسیر نقش واسطه را ایفا کرد.

اهمیت این گزارش فقط در اصل وجود یک کانال مخفی نیست. مسئله مهم‌تر این است که واشنگتن ظاهراً به این جمع‌بندی رسیده که برای رسیدن به توافق با ایران باید با بازیگرانی فراتر از کانال‌های رسمی دیپلماتیک گفت‌وگو کند.

ترامپ اکنون وجود این ارتباط را تأیید کرده و جرد کوشنر نیز گفته است گفت‌وگو میان آمریکا و «بخش‌های مختلف دولت ایران» گسترده‌تر و جدی‌تر از گذشته شده است.

با این حال، سخنگوی سپاه این موضوع را به‌صراحت رد کرده و گفته هیچ مذاکره‌ای میان مقام‌های سپاه و آمریکا در جریان نیست.

این تناقض خود به یکی از مهم‌ترین ابهام‌های مرحله فعلی تبدیل شده است: آیا واشنگتن واقعاً در حال مذاکره با بخشی از ساختار قدرت ایران است یا دولت ترامپ با انتشار چنین اخباری تلاش می‌کند فشار سیاسی بر تهران را افزایش دهد؟

رفتار متناقض واشنگتن را می‌توان با یک منطق ساده توضیح داد: فشار نظامی و اقتصادی برای تغییر محاسبات تهران و مذاکره برای تبدیل این فشار به توافق.

ترامپ در هفته‌های اخیر بارها از این موضع استفاده کرده که ایران تحت فشار شدید قرار گرفته و باید برای رسیدن به توافق امتیاز بدهد. همزمان، دولت او تلاش کرده از طریق واسطه‌های مختلف کانال ارتباطی با تهران را باز نگه دارد.

در نتیجه، پایان مهلت ۶۰ روزه الزاماً به معنای کنار گذاشتن دیپلماسی نیست. بلکه ممکن است شکل دیپلماسی تغییر کرده باشد؛ از مذاکرات رسمی و چندجانبه به سمت پیام‌رسانی‌های غیرمستقیم، کانال‌های امنیتی و مذاکرات پشت‌پرده.

رویترز نیز در گزارش خود درباره پایان تفاهم‌نامه تأکید کرده که در کنار تشدید مواضع نظامی ایران، کانال پشت‌پرده با سپاه همچنان یکی از معدود نشانه‌های باقی‌مانده از تلاش دیپلماتیک است.

در سوی مقابل، ایران نیز تلاش کرده اهرم خود در هرمز را حفظ کند. سپاه پیش‌تر تصریح کرده بود بازگشایی تنگه صرفاً به مذاکرات ایران و عمان وابسته نیست و به پذیرش شروط ایران از سوی آمریکا بستگی دارد.

این موضع نشان می‌دهد تهران هرمز را نه یک موضوع فنی مربوط به کشتیرانی، بلکه بخشی از معادله امنیتی و سیاسی جنگ می‌داند.

مسقط از یک سو با تهران درباره بازگشایی مسیر امن کشتیرانی مذاکره می‌کند و از سوی دیگر، به‌دلیل روابط امنیتی نزدیک با آمریکا، نمی‌تواند به‌سادگی از واشنگتن فاصله بگیرد.

طرحی که ایران و عمان درباره آن مذاکره کرده‌اند، در صورت نهایی شدن می‌تواند بخشی از مشکل کشتیرانی را حل کند؛ اما مخالفت آمریکا با ترتیباتی که به ایران نقش تعیین‌کننده‌ای در مدیریت ورود و خروج کشتی‌ها بدهد، یک مانع جدی است. رویترز پیش‌تر گزارش داده بود که اختلاف دقیقاً بر سر همین مسئله است؛ بنابراین تهدید ترامپ علیه عمان را نمی‌توان صرفاً یک اظهارنظر تند دیگر دانست. این تهدید در متن اختلاف واقعی بر سر آینده هرمز مطرح شده است.

در واقع، مسئله اکنون فقط این نیست که ایران و آمریکا چه توافقی [illegible]؛ سؤال این است که چه کسی و بر اساس چه سازوکاری قرار است هرمز را اداره کند.در چنین شرایطی سه سناریو پیش روی دو طرف قرار دارد. سناریوی نخست، بازگشت به مذاکرات و رسیدن به یک توافق موقت جدید است. وجود کانال‌های پشت‌پرده با ایران، تلاش عمان و ادامه پیام‌رسانی‌های پاکستان و قطر نشان می‌دهد هنوز مسیر دیپلماسی به‌طور کامل بسته نشده است. ترکیه نیز در روزهای اخیر از ترامپ خواسته است مذاکرات با تهران ادامه پیدا کند.

سناریوی دوم، ادامه وضعیتی است که در آن مذاکره و فشار همزمان ادامه دارد؛ یعنی آمریکا محاصره دریایی و فشار اقتصادی را حفظ کند و ایران نیز با استفاده از موقعیت خود در هرمز و تهدید به تشدید اقدامات نظامی، تلاش کند امتیاز بیشتری بگیرد. این همان وضعیتی است که می‌تواند یک بحران فرسایشی طولانی ایجاد کند.

سناریوی سوم، خطرناک‌ترین سناریو است: خطای محاسباتی. کاهش شدید تردد کشتی‌ها، حضور نیروهای آمریکایی در اطراف آبراه، عملیات علیه کشتی‌ها، تهدیدهای متقابل و حملات پراکنده در منطقه، مجموعه‌ای از نقاط تماس را ایجاد کرده که هر کدام می‌تواند به یک حادثه بزرگ‌تر تبدیل شود.افزایش قیمت نفت در واکنش به همین نگرانی‌ها نشان می‌دهد بازار نیز احتمال طولانی شدن بحران را جدی گرفته است. رویترز برآورد کرده است که در صورت تداوم بی‌ثباتی، نفت در کوتاه‌مدت می‌تواند در محدوده ۸۰ تا ۱۰۰ دلار نوسان کند.آنچه اکنون در خلیج فارس جریان دارد، بیش از آنکه پایان کامل دیپلماسی باشد، شبیه ورود مذاکرات ایران و آمریکا به مرحله‌ای سخت‌تر و پیچیده‌تر است.

تفاهم ٦٠ روزه نتوانست درباره مهم‌ترین اختلاف‌ها، از آینده برنامه هسته‌ای و تحریم‌ها گرفته تا وضعیت تنگه هرمز، راه‌حل نهایی ایجاد کند. در عوض، هرمز به اهرم اصلی فشار تبدیل شد و هر دو طرف تلاش کردند از کنترل یا محدود کردن تردد در این آبراه برای بهبود موقعیت خود در مذاکرات استفاده کنند.

در همین حال، آمریکا از یک طرف از بازگشت به توافق سخن می‌گوید و از طرف دیگر محاصره دریایی را تشدید می‌کند؛ ترامپ عمان را تهدید می‌کند، اما همزمان کانال‌های ارتباطی با بخش‌هایی از ساختار قدرت ایران را باز نگه می‌دارد. تهران نیز از یک سو مذاکره با عمان برای ایجاد مسیر امن کشتیرانی را دنبال می‌کند و از سوی دیگر اعلام کرده است که در صورت شکست دیپلماسی، موضعی «کاملاً تهاجمی» اتخاذ خواهد کرد.

از این پس، مسئله فقط بازگشت به میز مذاکره نیست؛ مسئله این است که آیا دو طرف می‌توانند پیش از آنکه یک حادثه در هرمز یا منطقه کنترل اوضاع را از دستشان خارج کند، از ترکیب فشار، تهدید و کانال‌های محرمانه به یک توافق واقعی برسند یا نه؛ و در مرکز تمام این معادلات، همچنان همان آبراهی قرار دارد که اکنون بیش از هر زمان دیگری به اهرم ژئوپلیتیکی ایران و کابوس بازار انرژی جهان تبدیل شده است.

PDF Compressor Free Version

مذاکرات برای بازگشایی تنگه هرمز و پایان جنگ ادامه دارد

مقام پاکستانی در ادامه‌ای از ادامه مذاکرات برای بازگشایی تنگه هرمز و پایان جنگ ایران و آمریکا خبر داد؛ پاکستان می‌گوید همچنان برای بازگرداندن تهران و واشنگتن به میز مذاکره تلاش می‌کند.

یک مقام دولتی پاکستان اعلام کرد مذاکرات برای بازگشایی تنگه هرمز و یافتن راهی مسالمت‌آمیز برای پایان جنگ ایران و آمریکا همچنان ادامه دارد؛ این در حالی است که ضرب‌الاجل ٦٠ روزه تعیین‌شده برای دستیابی به توافق میان تهران و واشنگتن روز دوشنبه به پایان رسید. یک مقام دولتی پاکستان در گفت‌وگو با این شبکه مدعی شد مذاکرات برای بازگشایی تنگه هرمز، که تقریبا یک‌پنجم نفت جهان از آن عبور می‌کند، و پایان مسالمت‌آمیز این جنگ ادامه دارد.

این موضع پاکستان در حالی مطرح شده که پیش‌تر طاهر اندرابی، سخنگوی وزارت امور خارجه این کشور، نیز با وجود شکست مذاکرات، از ادامه تلاش‌های اسلام‌آباد برای میانجیگری میان تهران و واشنگتن خبر داده بود.

اندرابی هفته گذشته گفت: «ما این فصل را نمی‌بندیم. پاکستان تمام تلاش خود را می‌کند تا دو طرف را به میز مذاکره بیاورد.»

پاکستان و قطر در دستیابی به تفاهم‌نامه ژوئن میان ایران و آمریکا نقش کلیدی داشتند؛ توافقی که بر اساس آن آتش‌بس برای ٦٠ روز تمدید شد. با این حال، از آن زمان دو طرف بار دیگر حملات متقابلی انجام داده‌اند و درگیری‌ها گسترش یافته است.

برنامه عراق برای دور زدن تنگه هرمز

با وجود خوش‌بینی مقام‌های آمریکایی درباره احداث خط لوله عراق – سوریه به عنوان جایگزینی سریع برای تنگه هرمز، دو منبع مطلع به رویترز اعلام کردند: احداث این بنادر و تأسیسات زیربنایی جدید به دلیل نیاز به زیرساخت‌های کاملاً تازه و جایگزینی خط قدیمی کرکوک-بانیاس، حداقل ٤ سال زمان نیاز دارد و هزینه‌ای افزون بر ۱۵ میلیارد دلار در بر خواهد داشت.

در حالی که انسداد تنگه هرمز حجم صادرات نفت عراق را به شدت کاهش داده و بغداد را متحمل خسارات سنگینی کرده است، واشنگتن و شرکت‌های بین‌المللی انرژی از طرح احداث خط لوله با ظرفیت اولیه ۲ میلیون بشکه در روز حمایت می‌کنند.

کارشناسان و منابع متخصص در این پروژه ها تاکید دارند: خط لوله قدیمی دهه ۱۹۸۰ غیرقابل استفاده بوده و اجرای سیستم جدید نیازمند دریافت مجوزهای جدید ارضی از حکومت جدید سوریه، پاکسازی زیرساخت‌های فرسوده و تکمیل مطالعات فنی و مالی است و این موضوع نشان می‌دهد این پروژه در کوتاه‌مدت قادر به حل بحران صادرات نفت عراق نخواهد بود.

سوریه و عراق هر کدام تفاهم‌نامه‌های جداگانه‌ای را با کنسرسیومی متشکل از شورون، تی‌آی کیپتال و هولدینگ UCC قطر برای انجام مطالعات فنی و مالی در آماده‌سازی این پروژه امضا کرده‌اند. نه وزارت نفت عراق و نه شرکت دولتی نفت سوریه به درخواست‌های رویترز برای اظهار نظر در مورد این پروژه یا برآورد منابع در مورد جدول زمانی و هزینه پاسخی ندادند.

تی‌آی کیپتال و هولدینگ UCC نیز به درخواست‌های رویترز برای اظهار نظر پاسخ ندادند. شورون، رویترز را به بیانیه قبلی در مورد توافق اولیه ارجاع داد و اظهار داشت که در مورد جزئیات مربوط به امور تجاری اظهار نظر نمی‌کند.

در یک نشست مطبوعاتی ماه گذشته، یکی از مدیران شورون اظهار داشت که این پروژه می‌تواند یک نقطه دسترسی جدید به بازارها از طریق مدیترانه فراهم کند. وی افزود که هر خط لوله‌ای همچنین باید به میدان‌های نفتی غرب قرنه-۲ و ناصریه در جنوب عراق متصل شود که شورون در حال حاضر در حال مذاکره برای خرید آنهاست.

وی خاطرنشان کرد که این شرکت هنوز باید مطالعات فنی را تکمیل کند تا مشخص شود که آیا خط لوله موجود بین عراق و سوریه نیاز به بازسازی، توسعه یا بازسازی دارد یا خیر. او توضیح داد که این شرکت هنوز تخمینی از ظرفیت صادرات آینده این پروژه ارائه نکرده است و اظهار داشت: «خطوط لوله از این نوع معمولاً از روز اول با ظرفیت کامل کار نمی‌کنند.»

با وجود امیدهای زیاد پیرامون این پروژه به عنوان یک مسیر اصلی تنوع‌بخشی برای بخش انرژی جهانی، منابع نشان می‌دهند که مسیر بهره‌برداری واقعی از آن همچنان طولانی و پیچیده است و شامل تکمیل مطالعات فنی، تضمین حقوق زمین و تأمین مالی لازم برای زیرساخت‌های کاملاً جدید می‌شود.

بر اساس داده‌های ارائه‌شده از سوی منابع درگیر در پروژه، احداث این خط لوله با ظرفیت انتقال روزانه ۲ میلیون بشکه نفت به خطوط ارتباطی جدید میان میادین نفتی شمالی و جنوبی عراق تا مرکز تجمیع «حدیثه» و سپس خاک سوریه نیاز دارد.

مذاکرات مخفیانه و سطح بالا برای حمله اتمی به ایران

یک نماینده مجلس و متحد سابق رییس جمهور آمریکا مدعی شد: در جریان مذاکرات مخفیانه و سطح بالا درباره احتمال استفاده از سلاح هسته‌ای علیه ایران قرار دارد.

آناتولی نوشت: مارجوری تیلور گرین، نماینده سابق کنگره آمریکا ادعا کرد: جلسات راهبردی سطح بالا برای بحث در مورد استفاده احتمالی از سلاح‌های هسته‌ای علیه ایران در حال انجام است. گرین در پلتفرم رسانه اجتماعی نوشت: من حدس نمی‌زنم، می‌دانم. و این شرارت محض است.

گرین ادعا کرد: دولت آمریکا با وجود ادعاهای مکرر دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، مبنی بر پیروزی در جنگ و ادعاهای مبنی بر کنترل واشنگتن بر تنگه هرمز، در حال بررسی کاهش آستانه استفاده از سلاح‌های هسته‌ای است. او دولت را به نادیده گرفتن ارزیابی‌های اطلاعاتی داخلی که نشان می‌داد تهران به توسعه سلاح هسته‌ای نزدیک نیست متهم کرد.

گرین همچنین دولت را متهم کرد کاملاً در راستای منافع اسرائیل حرکت می‌کند. گرین استدلال کرد که کارزار نظامی ناشی از آن باعث رنج گسترده غیرنظامیان شده و منجر به کنترل ایران بر کریدورهای انرژی منطقه‌ای شده است.

این نماینده سابق مجلس هشدار داد که چنین تشدید تنشی می‌تواند باعث یک هولوکاست هسته‌ای جهانی شود که منجر به رکود اقتصادی و تلفات بی‌سابقه‌ای خواهد شد.

گرین گفت: «آمریکا مصون از آسیب نیست و مردم آمریکا باید این جنون را متوقف کنند. اگر درگیری هسته‌ای رخ دهد، رهبران فعلی توسط تاریخ مسئول شناخته خواهند شد.»

حکم دادگاه عالی پاکستان برای انتقال عمران خان به بیمارستان

دادگاه عالی پاکستان با صدور حکمی خواستار انتقال عمران خان از زندان به بیمارستان شد.

به گزارش از رویترز، دادگاه عالی پاکستان روز سه‌شنبه دستور داد عمران خان، نخست‌وزیر پیشین این کشور از زندان به بیمارستان منتقل شود.

حزب تحریک انصاف پاکستان اعلام کرد این تصمیم در پاسخ به مطالبه دیرینه این حزب و خانواده عمران خان اتخاذ شده است؛ آنها نسبت به وضعیت سلامتی او ابراز نگرانی کرده بودند.

عمران خان، سیاستمدار ۷۳ ساله و بازیکن پیشین کریکت، از اوت ۲۰۲۳ در زندان به سر می‌برد. او در چندین پرونده محکوم شده است؛ پرونده‌هایی که خودش می‌گوید پس از برکناری‌اش از قدرت در سال ۲۰۲۲ و با انگیزه‌های سیاسی علیه او تشکیل شده‌اند.

به گفته نعیم حیدر پنجوتا، سخنگوی حزب تحریک انصاف پاکستان، دیوان عالی دستور داده است عمران خان ظرف ٤٨ ساعت به بیمارستان



بین‌المللی شفا منتقل شود و تا ١٦ سپتامبر در آنجا بماند.

از سال گذشته، پسران عمران خان بارها درباره وخامت وضعیت سلامتی پدرشان ابراز نگرانی کرده‌اند. وکلای او نیز گفته‌اند که وی در دوران زندان بخش قابل توجهی از بینایی چشم راست خود را از دست داده است.

ایران خود را برای جنگ طولانی با خارج و اعتراضات در داخل آماده می‌کند

روز گذشته روزنامه وال‌استریت ژورنال مدعی شد ایران در دوره آرامش پس از تفاهم اخیر، با بازآرایی ساختارهای امنیتی، تقویت توان موشکی و پهپادی و توسعه اقدامات ضدجاسوسی، خود را برای احتمال ازسرگیری و گسترش جنگ با آمریکا آماده می‌کند؛ گزارشی که به ادعای ارزیابی‌های اطلاعاتی، نشان‌دهنده سناریوهای جدید تهران در منطقه است. حالا نیویورک تایمز هم گزارشی منتشر کرده و مدعی است که انتصابات اخیر رهبری نشان می دهد ایران همزمان آماده مقابله با حمله خارجی و اعتراضات داخلی ناشی از افزایش فشارهای اقتصادی بر مردم می شود.

نیویورک تایمز در یادداشتی مدعی شده انتصاب مجموعه‌ای از فرماندهان باسابقه و تندرو به عالی‌ترین مناصب امنیتی، روشن‌ترین نشانه برای برنامه ایران در روزهای پیش روست.

این رسانه به نقل از تحلیلگران مدعی شده این تغییرات که در ماه جاری انجام شده، نشان می‌دهد او می‌خواهد ایران را در وضعیت آماده‌باش جنگی نگه دارد؛ هم برای تقابل طولانی‌مدت و بدون افق روشن با آمریکا و هم برای کنترل نارضایتی داخلی.

این انتصابات همچنین بازتاب‌دهنده ساختاری است که هنوز نتوانسته راهبردی پایدار برای بازدارندگی در برابر واشنگتن پیدا کند؛ آن هم در شرایطی که تهران می‌کوشد بدون واگذاری اهرم‌های راهبردی خود، به‌ویژه کنترل تنگه هرمز، راهی برای پایان جنگ بیابد.

رهبران امنیتی جدید ایران نخست باید دوره‌ای از بلاتکلیفی را مدیریت کنند. درگیری‌های بزرگ کاهش یافته، اما نه واشنگتن و نه تهران حاضر نیستند برای توافق درباره تنگه هرمز امتیاز جدی بدهند. در عین حال، مهلت ٦٠ روزه رسیدن به توافق بر سر برنامه هسته‌ای ایران نیز روز دوشنبه به پایان رسید. این بن‌بست منطقه را در وضعیتی قرار داده که هر لحظه ممکن است دوباره به جنگ تمام‌عیار منجر شود.

این رسانه مدعی است که از جمله انتصابات جدید، محسن رضایی، فرمانده پیشین سپاه در دوران جنگ ایران و عراق است که به ریاست شورای عالی امنیت ملی منصوب شده است. حسین طائب، روحانی و رئیس پیشین دستگاه اطلاعاتی سپاه، نیز مسئولیت بسیج را بر عهده گرفته. این بازآرایی شامل رئیس جدید ستاد کل نیروهای مسلح، فرمانده جدید سپاه پاسداران و فرمانده جدید نیروی دریایی سپاه نیز می‌شود؛ سمتی که با توجه به اهمیت روزافزون تنگه هرمز، حساسیت ویژه‌ای پیدا کرده است.

بیشتر منصوبان رهبری جدید از نسل قدیمی مدیران جمهوری اسلامی‌اند؛ کسانی که در انقلاب ۱۳۵۷ نقش داشتند و در جنگ ایران و عراق فرمانده بودند. خود رهبر ایران نیز در جریان آن جنگ با برخی از آنها روابط نزدیکی شکل داده بود؛ از جمله محسن رضایی که فرمانده او بود و حسین طائب که در گردان او حضور داشت.

برخی از این افراد، به‌ویژه محسن رضایی، سابقه دفاع از اهداف حداکثری نظامی دارند. او در گذشته تلاش کرده بود رهبران ایران را متقاعد کند که به جای پذیرش آتش‌بس، جنگ با عراق را ادامه دهند، چون معتقد بود ایران می‌تواند اهرم بیشتری برای رسیدن به توافق بهتر به دست آورد.

بحث مشابهی اکنون در ایران درباره چگونگی پایان جنگ با آمریکا جریان دارد.

میانه‌روهای دولت، از جمله مسعود پزشکیان، می‌گویند ایران باید از کنترل مؤثر خود بر تنگه هرمز استفاده کند و به توافق برسد.

اما تندروها خواهان گرفتن امتیازات بیشترند و ترجیح می‌دهند موضع تهاجمی خود را حفظ کنند تا آمریکا را از مداخله نظامی دوباره منصرف کنند.

آنها استدلال می‌کنند که دو جنگ اخیر که آمریکا و اسرائیل آغاز کردند، یکی در ژوئن ۲۰۲۵ و دیگری در فوریه امسال، زمانی آغاز شد که ایران در حال مذاکره با دولت ترامپ بود. همچنین به توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ اشاره می‌کنند که ترامپ در سال ۲۰۱۸ از آن خارج شد.

هادی برهانی، استاد مطالعات اسرائیل دانشگاه تهران به نیویورک تایمز گفته: «تندروها به‌شدت قدرت گرفته‌اند و استدلال می‌کنند ــ و به نظر می‌رسد تاریخ نیز از آنها پشتیبانی کرده ــ که غرب اساساً قابل اعتماد نیست.»

او افزود از نگاه این جریان، تنها زبانی که غرب می‌فهمد «مقاومت، بازدارندگی نظامی و آن‌قدر پرهزینه کردن هر مداخله غربی در منطقه است که اساساً غیرقابل تحمل شود.»

عبدالرسول دیوسالار، کارشناس ایران در دانشگاه کاتولیک میلان، می‌گوید این انتصابات علاوه بر نمایش موضع تهاجمی، بازتاب تلاش تهران برای یافتن یک رویکرد جدید بازدارندگی در برابر واشنگتن است.بیشتر منصوبان جدید، از جمله محسن رضایی، از بازگشت به تفاهم‌نامه کوتاه‌مدتی حمایت کرده‌اند که در ماه ژوئن با دولت ترامپ امضا شد؛ سندی که قرار بود زمینه را برای توافق بر سر برنامه هسته‌ای ایران فراهم کند.اما آنها تأکید کرده‌اند تنها در صورتی به آن تفاهم بازمی‌گردند که مفاد آن مطابق تفسیر ایران اجرا شود؛ به‌ویژه اینکه تهران تا دستیابی به توافق نهایی، کنترل تنگه هرمز را حفظ کند و این اهرم را پیشاپیش واگذار نکند.

دیوسالار گفت: «در عمق این رویکرد، نوعی عمل‌گرایی و میل به یافتن راه‌حل وجود دارد. آنها می‌خواهند امنیتشان تضمین شود.»

به گفته ناظران، آیت‌الله خامنه‌ای خود را با افرادی احاطه کرده که اگر شرایط مناسب باشد آماده مذاکره‌اند، اما اگر شرایط مطلوب نباشد، حاضرند جنگ را نیز طولانی کنند.

نیویورک تایمز مدعی است که این رویکرد با روش پدر و سلف او، آیت‌الله علی خامنه‌ای، تفاوت دارد.آیت‌الله علی خامنه‌ای نسبت به مذاکره با آمریکا بدبین بود اما در تقابل نظامی مستقیم با واشنگتن محتاط‌تر عمل می‌کرد.

در دوران رهبری او، ایران هنگام پاسخ موشکی به کشته‌شدن قاسم سلیمانی در سال ۲۰۲۰، پیشاپیش نشانه‌هایی از حمله خود ارسال کرد. تهران همچنین پیش از حمله تلافی‌جویانه سال گذشته به پایگاه آمریکا در قطر، پس از ورود جنگنده‌های آمریکایی به حملات اسرائیل علیه ایران، هشدار داده بود.

اما به گفته برخی تحلیلگران، رهبر جدید آمادگی بیشتری برای آغاز مستقیم درگیری با واشنگتن نشان داده است و آنها به تصمیم ایران برای شروع دور اخیر درگیری‌های نظامی اشاره می‌کنند.

سینا طوسی، کارشناس ایران در مرکز سیاست بین‌الملل در واشنگتن به نیویورک تایمز گفته «این به معنای کنار گذاشتن دیپلماسی با آمریکا نیست. بلکه نشان‌دهنده رویکرد سخت‌گیرانه‌تری به دیپلماسی است.»

او افزود: «ایران حاضر است برای پایان جنگ مذاکره کند، اما در عین حال آماده است به جای پذیرش توافقی ناقص یا موقت که آن را در برابر فشار یا حمله دوباره آمریکا آسیب‌پذیر کند، وارد یک درگیری طولانی شود.»

به نظر می‌رسد رهبران ایران روی این حساب باز کرده‌اند که تهران می‌تواند درد اقتصادی را طولانی‌تر از زمانی تحمل کند که ترامپ بتواند تبعات جنگ را در داخل آمریکا تاب بیاورد.

این راهبرد اما برای حدود ۹۰ میلیون ایرانی پیامدهای جدی دارد؛ مردمی که با اقتصادی در حال سقوط آزاد دست‌وپنجه نرم می‌کنند و دائماً با خطر بازگشت جنگ تمام‌عیار روبه‌رو هستند.

شرایط وخیم اقتصادی پیش از آغاز جنگ نیز به اعتراضات سراسری دامن زده بود. با ادامه مشکلات اقتصادی، خطر اعتراضات تازه همچنان جدی است

.یکی از دلایلی که انتصاب حسین طائب به ریاست بسیج اهمیت دارد همین موضوع است. آیت الله علی خامنه ای در سال ۲۰۲۲ او را از ریاست اطلاعات سپاه برکنار کرد. طائب حتی در درون ساختار سیاسی جمهوری اسلامی به شخصیتی مناقشه‌برانگیز تبدیل شده بود و محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور پیشین، او را متهم کرده بود که علیه مخالفان سیاسی پرونده‌سازی می‌کند